

راه سوم

بازسازی سوسیال دموکراسی

نویسنده انونی گیدنز

ترجمه منوچهر صبوری ناسان

www.ketab.ir

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
یادداشت
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
شناسه رده
رده بندی کتب
رده بندی دیوبی
شماره کتابشناسی ملی

گیدنز، آنتونی / Giddens, Anthony
راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی / نویسنده آنتونی گیدنز؛ مترجم منوچهر صبوری کاشانی.
تهران: شیرازه کتاب، ۱۳۹۵.
۱۷۷ص
۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۸۲-۹-۰-۰
فیبا
عنوان اصلی: The third way: the renewal of social democracy
چاپ قبلی: شیرازه، ۱۳۷۸.
کتابنامه بصورت زیرنویس.
نمایه
بازسازی سوسیال دموکراسی
Socialism سوسیالیسم
جوری کاشانی، منوچهر، ۱۳۱۴-، مترجم.
HX۳۶ / گ۹۹ / ۲ ۱۳۹۵
۲۸۴۳ م۸۵



شیراز
راه سوم

بازسازی سوسیال دموکراسی

نویسنده: آنتونی گیدنز
مترجم: منوچهر صبوری کاشانی
انتشارات: شیرازه کتاب ما
طراح جلد: پردیس خرمی
چاپ: پردیس دانش
تیراژ: ۵۵۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۵
حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران. صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵
تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ - فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱
همراه: ۰۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست

یادداشت‌های ناشر	هفت
پیشگفتار مؤلف	۱
فصل ۱ - «سیال» م و پس از آن	۵
مرگ سوسیالیسم	۷
سوسیال دموکراسی در تیمم	۱۲
نگرش نولیبرالی	۱۵
مقایسه نظریه‌ها	۱۹
بحث‌های اخیر	۲۱
ساختارهای حمایت سیاسی	۲۵
سرنوشت سوسیال دموکراسی	۲۸
فصل ۲ - پنج مشکل بنیادی	۳۳
جهانی شدن	۳۴
فردگرایی	۴۰
چپ و راست	۴۴
سازمان سیاسی	۵۴
مسائل زیست بومی	۶۲
سیاست راه سوم	۷۳

۷۹	فصل ۳- دولت و جامعه مدنی
۸۰	دموکراتیک کردن دموکراسی
۸۹	مسئله جامعه مدنی
۹۷	تبه کاری و اجتماع محلی
۱۰۰	خانواده دموکراتیک
۱۱۱	فصل ۴- دولت سرمایه گذاری اجتماعی
۱۱۳	معنای جاری
۱۱۶	ادغام و ط
۱۲۳	جامعه رفاه
۱۳۱	راهبردهای سرمایه گذاری اجتماعی
۱۴۳	فصل ۵- به سوی عصر جهانی
۱۴۴	ملت جهانی
۱۴۷	کثرت گرایی فرهنگی
۱۵۲	دموکراسی جهانی
۱۵۷	اتحادیه اروپا
۱۶۰	حکومت جهانی
۱۶۳	بنیادگرایی بازار در مقیاسی جهانی
۱۷۱	نتیجه گیری
۱۷۵	فهرست اعلام

یادداشت ناشر

تلاش مستمر برای نوسازی سیاسی، خواه از طریق بازبینی معیارها و ارزش‌ها، خواه از طریق تدوین خط‌مشی‌ها و اهداف، یکی از ویژگی‌های احزاب سیاسی کشورهای اروپای غربی بوده است. نگاهی به تاریخ دویست ساله سیاست مدرن در این کشورها نشان می‌دهد که احزاب، گروه‌ها و جریان‌ها بر اساسی همواره پس از تغییرات مهمی که در زمینه سیاست، اجتماع و علمی عام و تکنولوژی پیش می‌آید، در صدد هماهنگ کردن اندیشه و عمل خود با اده‌ای جدید برآمده‌اند. ادامه این سنت را در تلاشی که آنتونی گیدنز، با معه‌شاسر صاحب نام انگلیسی در کتاب حاضر ارائه می‌دهد، باز می‌یابیم.

گیدنز بر این نظر است که فروپاشی بلوک شرق که زمینه را برای تسریع روند جهانی شدن فراهم آورده، هرگز با آن میزان که می‌باید از جانب جریان‌های مهم سیاسی موضوع تحلیل قرار نرفته است. در واقع این تغییر مهم، بیشتر به عنوان شکست یک جهان‌بینی مدنظر قرار گرفته و در نتیجه، عمدتاً به تقویت بینش سیاسی مبتنی بر آزادی بازار و نگرش گذشته است. حال آن‌که به نظر گیدنز، فروپاشی بلوک شرق می‌باید با انتخاب‌های عملی روشنی در برنامه‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی ایجاد کند. او یادآور می‌شود که فروپاشی بلوک شرق از جمله به معنی خاتمه آن گفتارها و برنامه‌هایی در بلوک غرب است که

مشروعیت‌شان را تاکنون بر وجود یک دشمن خارجی استوار کرده بودند؛ اینک که دیگر چنین منبع مشروعیتی وجود ندارد، رسیدگی به نگرانی‌های زیستی شهروندان و خطراتی که آنان را تهدید می‌کند، اهمیت بیشتری یافته و در نتیجه پاسخ‌های عاجل‌تری می‌طلبد. به عبارت دیگر، گیدنز بر این نظر است که فروپاشی یکی از قطب‌های جهانِ دو قطبی نمی‌تواند آن قطب دیگر را دست نخورده باقی بگذارد. انتخاب عادت شناخته شده «راه سوم» برای نامگذاری مجموعهٔ بینش‌ها و سیاست‌ها، که می‌بایست برای روبرو شدن با این وضعیت جدید مدنظر قرار گیرد نیز از همین تحلیل ناشی می‌شود.

گیدنز هرچند معتقد است که تدوین سیاست‌هایی که بخواهند به‌طور جدی با مجموعهٔ جدید جهان روبرو شوند، مستلزم اتخاذ موضع دقیق و روشن در قبال منبع مسئلهٔ اساسی است؛ یعنی مستلزم فهم دقیق از پدیدهٔ «جهانی شدن» و پیامدهای آن، درک روشن و عملی از مفهوم «فردگرایی» در جوامع مدرن، تالیق و تصحیح مقولهٔ «چپ و راست»، شفاف کردن فهم خود از سازماندهی سیاسی و دست‌آخور روشن کردن درکی که از مسائل زیست‌بومی داریم. به هنگام بازبینی این پنج مسئله است که خوانندهٔ کتاب می‌تواند به دلایل گیدنز در انتخاب سوسیال دموکراسی به عنوان نیروی اصلی پیشبرد سیاست «راه سوم» پی‌ببرد.

در واقع گیدنز این امر را کتمان نمی‌کند که سوسیال دموکراسی‌ها در بسیاری از زمینه‌ها، مانند بازدهی دستگاه دولت‌سازی، سرمایه‌گذاری‌های رفاهی و تشویق اراده‌های فردی هنوز باید از بینش‌های متداول در اندیشه‌های راست سیاسی بسیار بیاموزند. در عین حال، سوسیال دموکراسی به دلیل اهمیت دادن به مسائلی همچون تعمیم و تعمیق دموکراسی به معنی فراهم آوردن شرایط مشارکت و وسیع مردم‌داری، امور حکومتی، و تلاش مستمر برای ادغام اجتماعی افرادی که در

شتاب‌های نظام‌های سرمایه‌دارانه عقب می‌مانند و نیز مقید نبودن به فرهنگ سنتی بورژوازی، در شرایط مناسب‌تری از سایر جریان‌های سیاسی برای اتخاذ و هدایت «راه سوم» قرار دارد.

جهانی شدن سیاست و اقتصاد که خود یکی از دلایل گیدنز برای مطرح کردن بحث «راه سوم» است، باعث می‌شود که اندیشه‌ها، راه حل‌ها و شیوه‌های تحلیل سیاسی که او در این کتاب مطرح می‌کند، از مرز کشورهای غربی فراتر رفته و بتوانند به منزله مباحثی جهانی مورد توجه علاقه‌مندان در کشورهای در حال توسعه نیز قرار گیرند.

پیشگفتار مؤلف

در نوشتن این کتاب بر آن بوده‌ام که سهمی داشته باشم در بحثی که هم‌اکنون در بسیاری کشورها درباره آینده سیاست‌های سوسیال دموکراسی در جریان دارد. دلایل این بحث به اندازه کافی روشن هستند: از هم‌پاشیدگی "وفتن متنی بر دولت رفاه" که تا اواخر دهه ۱۹۷۰ در کشورهای صنعتی غالب بود، از رونق افتادن نهایی مارکسیسم و دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی ژرفی که به پیدایش این شرایط کمک کرد. اما این که چه و کنشی می‌بایست در قبال این وضعیت نشان داد و نیز این که آیا سوسیال دموکراسی خواهد توانست به مثابه یک فلسفه سیاسی قائم به ذات ادامه حیات دهد یا نه، کمتر روشن است.

به عقیده من سوسیال دموکراسی تنها می‌تواند باقی‌ماند، بلکه می‌تواند هم در عرصه ایده‌تولوژیک و هم در عرصه عملی پیشرفت کند. اما تنها در صورتی که سوسیال دموکرات‌ها آمادگی تجدیدنظر در دیدگاه‌های قبلی‌شان را به شیوه‌ای کامل‌تر از آنچه اکثر آنها درون انجام داده‌اند، داشته باشند. آنها باید راه سومی بیابند. همان‌گونه که در این کتاب توضیح داده‌ام: اصطلاح "راه سوم" به خودی خود اهمیت خاصی ندارد. این اصطلاح پیش از این بارها در تاریخ سوسیال دموکراسی و نیز از سوی نویسندگان و سیاستمداران دارای گرایش‌های سیاسی کاملاً متفاوت به کار برده شده است. من در اینجا آن را برای اشاره به بازسازی

سوسیال دموکراسی به کار می‌برم - یعنی تعبیر امروزی همان بازاندیشی متناوبی که سوسیال دموکرات‌ها در قرن گذشته اغلب ناچار شده‌اند انجام دهند.

در بریتانیا "راه سوم" با سیاست‌های تونی بلر و حزب کارگر جدید مرتبط شده است. اعتقادات سیاسی تونی بلر اغلب با عقاید موکرات‌های جدید در آمریکا مقایسه شده است، و در واقع ارتباطات نزدیک و مستقیمی میان حزب کارگر جدید و دموکرات‌های جدید وجود داشته است گفته شده است که حکومت بلر، مانند حکومت‌های تاچر و میجر از آن سوی اطلانتیک الهام می‌گیرد و نه از آن سوی کانال و شیوه بیانش آمریکایی است؛ تأثیرات فکری که برنامه‌اش را شکل داده‌اند آمریکایی هستند و شیوه سیاسی‌اش آمریکایی است.^۱

این داورى کاملاً درست است. برای مثال برنامه حزب کارگر برای رفاه‌کار ممکن است سببی امری باری داشته باشد، اما باید گفت که بیشتر از برنامه‌های بازار کار پررونق اسکاتلندیناوی الهام می‌گیرد تا از آمریکا. البته تا آنجا که این گفته معتبر است، تأییدش نیازمند تصحیح می‌باشد. هرچند بحث پیرامون حزب کارگر جدید بحثی سرزنده و جالب توجه است، به میزان قابل توجهی در ناآگاهی از بحث‌های مشابهی جریان دارد که برای مدتی در میان سوسیال دموکراسی اروپایی مطرح بوده‌اند. جدایی تونی بلر از حزب کارگر قدیم دستاورد مهمی بود. این امر واقعاً همه احزاب سوسیال دموکرات اروپایی به همین گونه جدایی‌ها دست زده‌اند. از بسیاری جهات بحثی که در انگلستان وجود دارد باید با بخش‌های پیشرفته‌تر سوسیال دموکراسی اروپایی همگام شود. با وجود این انگلستان نیز در موقعیتی است که به سهم خود به اندیشه‌های جدیدی که اکنون در حال ظهور هستند فعالانه کمک کند. انگلستان به جای این‌که تنها

1. David Marquand: "The Blair Paradox", *Prospect*, May 1998, p. 20.

خود را با گرایش‌ها و اندیشه‌های آمریکایی سازگار سازد، می‌تواند نقطه حرکتی برای کنش متقابل خلأق میان آمریکا و قاره اروپا باشد. بیشتر کشورهای اروپایی دوره‌های طولانی حکومت نولیبرالی را مانند انگلستان تجربه نکرده‌اند. تاچریسم اگر هیچ کار دیگری نکرده باشد، شکی نیست که جامعه بریتانیا را تکان داد. مارگارت تاچر، مانند بیشتر نولیبرال‌های دیگر محافظه‌کار عادی نبود. او در حالی که پرچم بازار آزاد را به اهتزاز در آورده بود به نهادهای رسمی و نخبگان می‌تاخت، در حالی که سیاست‌هایش نیروی بیشتری به دگرگونی‌هایی می‌داد که باشتاب سرتاب در جامعه را درمی‌نوردید. حزب کارگر و هواداران روشنفکرش، نخست تا اندازه زیادی با تأکید مجدد بر دیدگاه‌های چپ قدیم واکنش نشان دادند اما شکست‌های انتخاباتی که حزب کارگر با این کار متحمل شد، لزوماً جهت‌گیری جدیدی را برانگیخت. در نتیجه، بحث سیاسی در انگلستان از بعضی جهات رانجه در محافل سوسیال دموکراسی در قاره اروپا می‌گذشت آزاداندیشه‌تر و هوشیارتر است. اندیشه‌هایی که در بریتانیا پدیدار گشت می‌توانست ربط مستقیم با بحث‌های رایج در دیگر کشورهای اروپا داشته باشد، با اینکه آنها اکثراً در زمینه متفاوتی شکل گرفته بودند.

این کتاب حاصل یک رشته جلسات بحث در بررسی بین من، یان هارگریوز^۱ و جف ملگان^۲ - که مایلم از هر دو سیاست‌مدارین کنم - است. در آغاز ما می‌خواستیم کار جمعی مستندی دربارهٔ سبب‌های سوسیال دموکراسی انجام دهیم. به دلایل گوناگون این کار عملی نشد. ما من از گردهم‌آیی‌هایمان بسیار الهام گرفته‌ام. باید به‌ویژه از دیرید هیلد سپاسگزاری کنم که با دقت فراوان چندین نسخه دستنوشته را خواند و نظراتش برای ساماندهی مجدد کتاب - که من آنها را اعمال کردم -

1. Ian Hargreaves

2. Geoff Meulgan

اساسی بودند. مارتین البرو، اولریک بک، الیسون چیورز، میریام کلارک، آماندا گودال، فیونا گراهام، جان گری، استیو هیل، ژولین لوگران، دیوید میلیباند، هنریتا مور و آن پاور از میان دیگر کسانی هستند که به من بسیار کمک کرده‌اند. من به ویژه مرهون آلنا لیدنوا هستم، که نه فقط در بدید آوردن این کتاب به طور کلی کمک فراوانی کرده است بلکه مرا به ادامه کار هرگاه که دلسرد می‌شدم - که این موارد کم نبود - تشویق می‌کرد.

www.ketab.ir